

چند نکته دربارهٔ همزیستی سینمای ایران و سینمای دفاع مقدس

حسین معززی نیا

دفاع مقدس





یا سینمای مقدس؟!!

ژانر سینمای جنگی در سال‌های پس از انقلاب اگر نه بهترین‌ها، که لاشل بسیاری از فیلم‌های خوب و موثر تاریخ سینمای ایران را به تماشاگران عرضه کرده و حالا هر آدم منصفی ناچار است در لیست ده فیلم برتر تاریخ سینمای ایران چند فیلم جنگی قرار دهد.

این روزها متداول شده که سینمای ایران در هر موقعیتی و به هر بهانه‌ای مورد تعرض و حمله و هتاکی قرار بگیرد. برخوردار بودن از لوازم و شرایط ورود به بحث، برای معترضین محلی از اعراب ندارد، گروه‌بندی‌های اجتماعی و صنفی و دسته‌بندی‌های سیاسی و غیرسیاسی هم همین‌طور. یعنی به‌عبارت دیگر هر کسی با هر شغلی و رتبه‌ای و با هر خاستگاهی و با هر اندازه دانش و سواد راجع به سینما و با هر سابقه و پیشینه‌ای خودش را لایق می‌پندارد که درباره سینمای ایران چند کلمه‌ای اظهار فضل کند و تأکید کند که این سینما وضع خوبی ندارد و باید فکری به حالش کرد و چه بد است که این‌طور است و کاش جور دیگری بود.

اینها را نگفتم که بعدش خودم را به‌عنوان تنها حامی سینمای مظلوم ایران معرفی کنم و حرف‌هایی در نغی اظهارات این جماعت عریض و طویل پشت هم ردیف کنم. نخبر! بنده هم از سینمای ایران دل‌خوشی ندارم و اگر در موقعیت کنونی سردرد دلم باز شود ممکن است از سوی همین‌ها خوشامد بشنوم و «خودی» محسوب شوم. اما می‌خواهم با اطمینان کامل خدمتتان عرض کنم که از هر ده نفری که در حال حاضر به سینمای ایران بد و بیراه می‌گویند و مدام غرولند می‌کنند، هشت نفرشان اصلاً سینما را دوست ندارند و دغدغه‌شان بهبود اوضاع سینما و این نوع مقولات نیست. بله، درست حدس زده‌اید، منظورم صراحتاً این است که دعوا سرلحاف ملاست و کسی دلش برای سینما نمی‌سوزد.

این گروه معترض را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: بخش مهمی از اینها نادانند و سینما پیشکش، آن قدر بر بدیهیات عرصه فرهنگ و هنر اشرف ندارند که خودشان بدانند معنای حرف‌هایشان چیست و چگونه می‌توان از اظهار نظر‌هایشان طرفی بر بست. بخش دیگرشان هم به‌طور واضحی کیسه دوخته‌اند و سنگ خودشان را به سینه می‌زنند و غرغر می‌کنند تا امکانات و امتیازات از دست رفته‌شان را به‌دست بیاورند. نقطه اشتراک هر دو گروه این است که مسأله‌شان خودشان است و نه سینما.

در یک سرشماری ساده درمی‌یابیم بخش اصلی معترضین کنونی را دست‌اندرکاران سینمای جنگ تشکیل می‌دهند. یعنی افرادی که به‌طور سببی یا نسیبی به مجموعه فیلمسازی سینمای دفاع مقدس تعلق دارند بیش از دیگران و شدیدتر از دیگران به سینمای فعلی حمله‌ور شده‌اند. حرف اصلی و مشترکشان هم این است که در سینمای فعلی «ابتدال» حاکم شده و «ارزش» مفقود شده. معیارشان هم برای بروز و ظهور «ارزش» عرصه سینمای دفاع مقدس است و بنابراین راه حل مشکلات سینمای ایران و شرط خاموش شدن اعتراض‌ها و زدوده شدن ابتدال را رونق مجدد سینمای دفاع مقدس عنوان می‌کنند. در واقع موضوع از نظر اینها ساده است: سینمای ایران اساساً به

دو بخش مبتذل و جشنواره‌ای تقسیم می‌شود. بخش مبتذل یعنی «شور عشق» و «بچه‌های بد» و «تیمه پنهان» و «آب و آتش» و «شوکران». بخش جشنواره‌ای هم یعنی «روزی که زن شدم» و «سفر قندهار» و «تخته سیاه» و «زمانی برای مستی آب‌ها» و «جمعه». بخش مبتذل که مبتذل است و باید نباشد و بخش جشنواره‌ای هم هنری و بی‌درد و صادراتی است. می‌ماند آن بخش از این سینما که به ارزش‌های دفاع مقدس می‌پردازد و هر وقت این نوع فیلمسازی راکد شود، حاکمیت آن انواع دیگر امری محتوم خواهد بود. به مناسبت شکل‌گیری این نظریه‌های نوین در باب سینمای ایران و همچنین فرارسیدن هفته دفاع مقدس، به‌گمانم لازم است یک بازنگری جدی درباره وضعیت کنونی سینمای دفاع مقدس و نسبتش با مجموعه سینمای ایران انجام دهیم و چند نکته اساسی را که نمی‌دانم چرا در سخن دیگران طرح نشده و نمی‌شود صراحتاً بیان کنیم:

۱- بدیهی است و حتماً همین‌طور است که ژانر سینمای جنگی در سال‌های پس از انقلاب اگر نه بهترین‌ها، که لااقل بسیاری از فیلم‌های خوب و موثر تاریخ سینمای ایران را به تماشاگران عرضه کرده و حالا هر آدم منصفی ناچار است در لیست ده فیلم برتر تاریخ سینمای ایران چند فیلم جنگی قرار دهد. در واقع باید تأکید کرد که این ژانر تنها گونه سینمای پس از انقلاب است که حساب و کتاب دارد و دارای هویت است و درباره فضا و آدم‌هایی دلنشین داستان‌های خوب تعریف می‌کند و بر تماشاگر تأثیر می‌گذارد. تعداد فیلم‌های خوبش هم حالا چشمگیر شده‌اند: «مهاجر»، «بده‌بان»، «هور در آتش»، «لیلی با من است»، «سفر به جزایه»، «ژانسی شیشه‌ای»، «باشو غریبه کوچک»، «هوا»، و چند تایی دیگر. حتی فیلم‌های متوسطی مثل «از کرخه تا راین»، «قله دنیا»، «پرواز در شب»، «تویی که نمی‌شناختمت» و نظایرشان هم از فیلم‌های قابل اعتنای سالیان اخیر به‌شمار می‌آیند. این گروه فیلم‌ها و دامنه‌ها و تأثیرات و شرایط ساخته‌شدنشان یکی از موضوعات مهم در تحلیل تاریخ سینمای پس از انقلاب است.

۲- اما پس از «سینمای دفاع مقدس» می‌رسیم به «دست‌اندرکاران سینمای دفاع مقدس». راستش این که این دوستان سال‌هاست تلاش می‌کنند ما را متقاعد کنند «سینمای دفاع مقدس» عین «دفاع مقدس» است و دست‌اندرکاران این سینما هم عین «رزمندگان» هستند و هر کدامشان یک شهید زنده محسوب می‌شوند و عرصه فیلمسازی دفاع مقدس هم عیناً عرصه شهادت و دلاوری و جانبازی است! این حرف‌ها آن قدر تکرار شده یا به اشکال گوناگون صورت بدیهیات به‌خود گرفته که شاید الان شما هم پس از خواندن این عبارات به

برداشتن به
مسائل گوناگون
سینمای دفاع
مقدس و چاره جویی
سوی حل
مشکلاتش، فارغ از
مسائل عمومی
سینمای ایران بگردد
رویکرد انحرافی
سینمای دفاع
مقدس بخشی از
سینمای ایران
است، اگر در
سینمای ایران
ضعف آموزشی
داریم، در سینمای
دفاع مقدس هم
داریم، اگر در
سینمای ایران
ضعف فیلمنامه
داریم، در سینمای
دفاع مقدس هم
داریم، اگر در
سینمای ایران فیلم
بد و بی سرونه
داریم، در سینمای
دفاع مقدس هم
داریم.

حمایتهایی از قبیل تخصیص تجهیزات جنگی لازم و فراهم آوردن وسایل و لوازم کافی برای اجرای پروژه در اختیارش قرار داده شود و اگر فیلم را خوب ساخت و مؤثر از کار درآورد شرایط اکران مناسب و تبلیغات کافی به فیلمش اختصاص داده شود. یا هر نوع حمایت دیگر از این نوع، که بسته به شرایط، مناسب تشخیص داده شود.

اما مشکل آن جاست که منظور این دوستان از «حمایت» این است که دولت (از طریق وزارت ارشاد یا حوزه هنری یا فارابی یا هر مؤسسه دیگر) سالی ۲۰ میلیارد تومان برای تولید ۲۰ فیلم جنگی هزینه کند و به همه این دوستان «خودی» که معتقدند یک آب سسته‌تر از دیگرانند اعتماد کند تا این پولها را به زمین گرم بزنند و تعدادی فیلم بنجلی تولید کنند که سر هر کدامشان هم مدعی‌اند و انتظار دارند در جشنواره‌ها سکه‌باران شوند! خب، این استراتژی، یک عمل احمقانه است و من دعا می‌کنم مدیران فعلی و آینده اشتباه مدیران قبلی را در این مورد مرتکب نشوند و راه رفته را دوباره نپیمایند.



۴ - می‌گویند سینمای جنگ مخاطب ندارد و در این مورد اظهارنظرهای گوناگونی ابراز می‌دارند. البته برخی از همین دوستان منکر اصل موضوع می‌شوند و می‌گویند پر فروش‌ترین فیلمهای بسیاری از سالهای گذشته فیلمهای جنگی بوده‌اند! اما واقعیت همان است که فیلمهای جنگی مخاطب کمی دارند. چرا؟ یکی از آقایان اخیراً حرف غریبی زد؛ گفت که یک توطئه جهانی در ضعیف کردن سینمای دفاع مقدس شکل گرفته و این توطئه از یک سو مدیران سینمایی را وادار به تضعیف این سینما کرده و از سوی دیگر مانع استقبال جوانان از فیلمهای دفاع مقدس می‌شود! واقعاً تصور عجیبی است که آدم متقاعد شود یکی مثل سیف‌الله داد در گبرودار این توطئه جهانی از یک سو فیلمی مثل «بازمانده» بسازد که در تبلیغ دین، مبارزه با صهیونیسم، خداجویی و هر مفهوم متعالی مشابه یک نمونه خوب و مؤثر محسوب شود و از سوی دیگر به‌عنوان مدیر سینما مانع ساختن فیلمهایی از این دست شود!

دلیل کم مخاطب بودن فیلمهای جنگی خیلی ساده‌تر از این حرفهاست؛ این فیلمها خوب ساخته نمی‌شوند و در بسیاری از نمونه‌های متأخر، سطحی، کلیشه‌ای، تکراری، سرهم‌بندی شده و از همه مهمتر تصنعی‌اند. همین! بار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم!

وگرنه جوانان ما علی‌رغم همه توطئه‌های جهانی، مریض نیستند که نیابند یک فیلم خوب و به دردخور جنگی را تماشا کنند. بنده به شما قول می‌دهم هر وقت یک فیلم درست و

حسابی درباره بخشی از حوادث و آدمهای جنگ که کمتر شناخته شده‌اند با رعایت همه قواعد و اصول درست فیلمسازی ساخته شود و قدرت تأثیرگذاری بر تماشاگر را داشته باشد، همین جوانان برای تماشایش سرودست می‌شکنند.

۵ - پرداختن به مسائل گوناگون سینمای دفاع مقدس و چاره‌جویی برای حل مشکلاتش، فارغ از مسائل عمومی سینمای ایران یک رویکرد انحرافی است. سینمای دفاع مقدس بخشی از سینمای ایران است. اگر در سینمای ایران ضعف آموزش داریم، در سینمای دفاع مقدس هم داریم، اگر در سینمای ایران ضعف فیلمنامه داریم، در سینمای دفاع مقدس هم داریم. اگر در سینمای ایران فیلم بد و بی سرونه داریم، در سینمای دفاع مقدس هم داریم. حتی اگر در سینمای ایران ابتلال رخنه کرده، در سینمای دفاع مقدس هم مشهود است. این مرزبندی‌ها و خط‌کشی‌ها هم در اغلب موارد با قصد و غرض انجام می‌شود. هیچ دلیل موجهی برای ایجاد این مرز وجود ندارد. چرا باید این دو را از هم جدا کنیم؟ و همین‌طور دست‌اندرکاران هر یک را؟ هیچ‌کدام از سینماگران دفاع مقدس حق ندارند این عرصه را خاک آباء و اجدادی‌شان فرض کنند. هرکدام از دیگر سینماگران که علاقه‌مند به تجربه در این عرصه باشد باید با طیب خاطر وارد گود شود نه با ترس و لرز از حسد و توطئه‌چینی و کارشکنی قدیمی‌ترها.

۶ - آقایان! اگر از این همه هیاهو و قیل و قال واقعاً قصد خیر دارید و جدأ علاقه‌مندید فیلم جنگی خوب ساخته شود، ساکت شوید، فریاد نکشید، آرام بنشینید و کار کنید. اگر مرد میدانید کار کنید و کار خوب عرضه کنید. کار خوب کاری است که با نظر مساعد عمومی همراه باشد نه این که خودتان و دوستانتان به به و چه چه کنید و ما را عامل استکبار جهانی بنامید.

ضمناً قدری به پشت سرشان نگاه کنید؛ در طول تاریخ سینما، همه کشورهای درگیر جنگ در طی روزهای وقوع جنگ به سرعت مشغول ساختن فیلمهای تبلیغاتی و حماسی و مهیج بوده‌اند، در سالهای پس از جنگ به ساختن فیلمهایی در نمایش آثار جنگ و توابع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی‌اش روی آورده‌اند، و چند سال که گذشته تعداد تولیدات فیلمهای جنگی‌شان کاهش یافته و هر چند سال یک‌بار یک فیلم جنگی خوب و درست با اجرای تمیز و معقول و مؤثر عرضه کرده‌اند. چرا اصرار دارید این روند را معکوس کنید و در این روزها که نیازی به تولید انبوه و شتابزدگی در این عرصه وجود ندارد، با جوسازی و عوام‌فریبی، مخاطبین این نوع سینما را بیش از پیش دلسرد کنید و فیلمهایی تولید کنید که مردم را از انواع فیلمهای جنگی (چه خوب و چه بد) فراری دهد؟ بهتر نیست به‌جای تولید انبوه و توطئه‌گردانستن این و آن، با آرامش دنبال یافتن گوشه‌های ناگفته حوادث جنگ و شخصیت‌های نمایش داده نشده باشید و سعی کنید قالبهای جدیدی را آزمایش کنید و داستانهای آن دوران را با شیوه‌های متفاوتی تعریف کنید؟ اگر هر ده سال یک بار هم بانی تولید یک فیلم دفاع مقدس خوب و جان‌دار شوید، خیر دنیا و آخرتش بیشتر از این هیاهویی است که به راه انداخته‌اید.